

رابطه ویژگی‌های اجتماعی و فردی زنان بر احساس امنیت آنان در اماکن عمومی شهر بندرعباس

دکتر فروغ السادات عریضی^۱

اصغر محمدی^۲

گل‌نساء ساسان^۳

چکیده

هدف این تحقیق، بررسی تأثیر برخی متغیرهای اجتماعی و فردی زنان بر میزان احساس امنیت آنان در اماکن عمومی شهر بندرعباس است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی زنان شهر بندرعباس که در فاصله سنی (۱۵-۶۵) قرار دارند می‌شود. چارچوب نظری پژوهش بر اساس دیدگاه کارکردگرایی است. روش تحقیق از نوع توصیفی - پیمایشی و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه با طیف لیکرت (شاخصهای پنج قسمتی از خیلی کم تا خیلی زیاد) است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با آزمونهای تحلیل دومتغیره، ضریب همبستگی پیرسون، و تحلیل رگرسیون انجام گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که بین متغیرهای آگاهی از حوادث و جرائم ($R^2=0/40$)، اعتماد نهادینه ($R^2=0/33$)، نگرش نسبت به عملکرد پلیس

forough.oreizi@gmail.com

۱- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان؛ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی واحد تهران مرکز

as-mo-d@yahoo.com

gs.2165@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

تاریخ پذیرش: ۹۱/۷/۲۰

تاریخ وصول: ۹۱/۱/۱۹

$(R^2=0/36)$ ، نوع پوشش زنان $(R^2=0/38)$ ، و فضای کالبدی شهر $(R^2=0/40)$ با میزان احساس امنیت رابطه معناداری وجود دارد ولی بین اعتماد عام $(R^2=0/29)$ و تجربه قربانی شدن $(R^2=0/40)$ با میزان احساس امنیت رابطه معناداری وجود ندارد. به طور کلی ۴۲ درصد تغییرات میزان احساس امنیت زنان (متغیر وابسته) به وسیله متغیرهای مستقل تبیین می‌شود.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت زنان، اماکن عمومی، اعتماد عام، اعتماد نهادینه، فضای کالبدی شهر، تجربه قربانی شدن.

مقدمه

امنیت، شاید به این دلیل که یکی از عمده‌ترین نیازهای بشری است، به عنوان یک امر مهم در حیات اجتماعی انسان همواره مورد توجه بوده است. در هرم نیازهای مازلو، نیاز به امنیت پس از نیازهای فیزیولوژیکی انسان به عنوان یکی از ساختارهای اساسی و پایه‌ای تشکیل دهنده شخصیت فرد قلمداد می‌شود. با تجمع انسانها در شهرها و پیچیدگیهای خاصی که این مسأله به وجود می‌آورد، عوامل تأثیر بر امنیت نیز متنوع‌تر شده‌اند، شلوغی محله‌های زندگی، جابجایی زیاد و محل سکونت و در نتیجه عدم امکان ایجاد روابط پایدار،.... همگی می‌توانند امنیت افراد را تحت تأثیر قرار دهند به صورتی که امروزه احساس ناامنی و ترس از جرم در مناطق شهری کشور یکی از مهمترین دغدغه‌های افراد شده است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۶). در یک نظرسنجی که از طرف نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) در سالهای ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ درباره سنجش میزان احساس امنیت اجتماعی در مراکز استانها به ترتیب ۷۹/۱۵ و ۹۳/۱ بوده است (برگرفته از نبوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۴). واضح است که چنین میزان احساس عدم امنیتی تأثیر بسزایی بر زندگی افراد می‌گذارد و از طرف دیگر مسئولیت بزرگی را متوجه دست‌اندرکاران تأمین امنیت شهرها می‌کند.

بیان مسأله

زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند و در سالهای اخیر و مخصوصاً در کلان‌شهرها، حضور اجتماعی آنها، به صورت دنبال کردن تحصیلات عالی، اشتغال، مشارکت سیاسی، و... افزایش یافته است. از طرف دیگر، نتایج برخی از تحقیقات نشان‌دهنده این مسأله است که زنان از امنیت و یا احساس امنیت زیادی برخوردار نیستند (حسین‌زاده و ساده‌میری، ۱۳۹۰: ۴۸؛ پورافکاری، ۱۳۹۰: ۶۲). بنابراین، این مطالعه، تأثیر برخی متغیرهای اجتماعی، خانوادگی، و فردی را بر امنیت زنان ۱۵ تا ۶۵ ساله در اماکن عمومی شهر بندرعباس مورد بررسی قرار می‌دهد.

شهر بندرعباس به دلیل نزدیک بودن به کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس و مهاجرت‌های زیادی که از مناطق مختلف کشور برای کار و مشاغل بعضاً کاذب که به این شهر صورت می‌گیرد دارای جمعیت زیاد از افراد گوناگون، موقت و از نظر فرهنگی ناهمگن می‌باشد و این مسأله احساس امنیت زنان را تا حدودی به مخاطره انداخته است.

مبانی نظری تحقیق

درباره چیستی و چرایی امنیت، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. از نظر آنتونی گیدنز احساس امنیت یا پرهیز از اضطراب در روابط اجتماعی چیزی است که در نهاد یا ناخودآگاه انسان وجود دارد. او آن را «امنیت وجودی» (ترنر، ۲۰۰۳: ۴۸۰) می‌نامد و به وضعیت ذهنی راحت و مناسبی اشاره دارد که در آن فرد، در محیطی آشنا و به همراه افراد دیگر که تهدیدی برای او به وجود نمی‌آورند، به فعالیت‌های معمولی خود می‌پردازد، یعنی زمانی که فرد بتواند بدون مزاحمت یا ترس از دیگران کار و وظایف خود را انجام دهد، دارای امنیت می‌باشد (مقدس و قدرتی، ۱۳۸۳: ۱۹)

بوزان و همکاران (۱۹۹۸) برای امنیت، دو بعد عینی و ذهنی را در نظر می‌گیرند.

بعد عینی امنیت بیشتر یک پدیده بیرونی است و به میزان واقعی جرم، ناامنی، دزدی و مانند آن در یک جامعه اشاره دارد، در صورتی که بعد ذهنی آن بیشتر به میزان درک و آگاهی افراد از جرم و ناامنی و نوع رویکرد و تفسیر آنها از آن بستگی دارد (ص ۲۹).

از نظر بوزان، نقطه آغازین امنیت، درک و تصور انسان است و اینکه امنیت در اجتماع در ارتباط با دیگران شناخته می‌شود یعنی افراد ممکن است تحت شرایط خاصی برخی از پدیده‌ها را به عنوان تهدید تلقی کنند بنابراین امنیت به ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر اساس آنها افراد با دیگران و با گروهها ارتباط برقرار می‌کنند و خود را بخشی از آنها می‌دانند و به این وسیله هویتی گروهی و یا اجتماعی می‌یابند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کنند و هر عامل یا پدیده‌ای که باعث ایجاد اختلال در احساس تعلق اعضای گروه یا جامعه شود به منزله تهدیدی برای امنیت تلقی می‌شود (بوزان و همکاران، ۱۹۹۸: ۱۶) از این نظر امنیت اجتماعی یک نوع سرمایه اجتماعی است زیرا وجود آن، که به صورت بالقوه در اختیار همه است و همه نیز باید در حفظ و افزایش آن بکوشند، انجام بسیاری از کارها و فعالیتها را آسان، کم‌هزینه و روان می‌کند (کلمن، ۱۹۸۸، ۹۷)؛ یعنی به میزانی که افراد بتوانند اهداف خود را به دور از احساس ترس و اضطراب دنبال کنند، احساس خشنودی آنها از تعلق به چنین جامعه‌ای افزایش یافته و دلبستگی میان آنها تقویت می‌شود. در همین راستا، از دیدگاه کارکردگرایی پارسونزی نیز می‌توان گفت که یکی از کارکردهای اساسی هر نظامی، حفظ و ارتقای وحدت و انسجام آن نظام است (ریتزر، ۲۰۱۱: ۲۴۲). از آنجایی که در سایه امنیت و آرامش است که افراد جامعه می‌توانند با دغدغه کمتر به فعالیتهای خود بپردازند و از این طریق نقشهای اجتماعی خود را بهتر بازی کنند، شناسایی و به حداقل رساندن موارد عدم امنیت برای جامعه بسیار دارای اهمیت می‌شوند. بنابراین تحقیق حاضر، با یک رویکرد کارکردگرایانه، امنیت اجتماعی را یک نوع

سرمایه اجتماعی تلقی می‌کند، ولی از آن جایی که مسأله مهم برای افراد، درک آنها از میزان امنیت موجود در جامعه است، با دیدگاهی تعامل‌گرایانه، احساس امنیت به عنوان یک پدیده ذهنی در نظر گرفته می‌شود. در تبیین عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت، از رویکرد عام جامعه مدرن استفاده شده است، به این معنا که هرچند درباره میزان و نوع مدرن بودن جامعه ایران هنوز، مباحثی وجود دارد (جلائی پور، ۱۳۸۹: ۲۲)، با این وجود بسیاری از عوامل و متغیرهای مدرنیته وارد زندگی ایرانیها شده و اثرات خاص خود را گذاشته‌اند. از جمله این عوامل باید رسانه‌ها را نام برد. رسانه‌ها در جامعه ایران و مخصوصاً در شهرها (به خاطر جابجایی‌های مستمر و کاهش امکان دستیابی به شناخت عمیق از افراد) بخش تفکیک‌ناپذیری از زندگی مردم شده‌اند. یکی از کارکردهای مهم رسانه‌ها، اطلاع‌رسانی و نظارت بر محیط است. رسانه‌ها با انعکاس رویدادهای جهان پیرامون در قالب خبر، اطلاعاتی را برای شهروندان فراهم می‌کنند که این اطلاعات منجر به «شناخت» فرصتها و تهدیدهای محیط زندگی برای آنها می‌شود. درباره موضوعات و رویدادهای مربوط به حوادث و جرائم، رسانه‌ها از جمله روزنامه‌ها با تولید و اشاعه اخبار اینگونه موضوعات و رویدادها، به افزایش آگاهی و هشیاری اجتماعی زنان نسبت به مخاطراتی که در محیط زندگی‌شان وجود دارد کمک می‌کنند.

گربرنر (۱۹۹۴: ۲۷) معتقد است، هرچه محیط زندگی واقعی بینندگان شبیه و نزدیک به آن چیزی باشد که از تلویزیون نمایش داده می‌شود یعنی هر چه مشابه و مصداق جرم و جنایتی که از تلویزیون پخش می‌شود، در محیط زندگی واقعی تماشاگر اتفاق بیفتد، ناامنی آنها نیز بیشتر می‌شود.

یکی دیگر از مسائل مدرنیته، مسأله اعتماد است. گیدنز اعتماد در دنیای جدید را در قالب اعتماد در نظامهای انتزاعی می‌آورد. به نظر او دو نوع قابلیت اعتماد وجود دارد: یک نوع قابلیت اعتماد که در بین افرادی که با هم آشنایی کامل دارند

صورت می‌گیرد که مبنای آن شناخت دقیق و آشنایی طولانی است و افراد صلاحیت لازم برای قابلیت اعتماد را به صورت تجربی به یکدیگر اثبات کرده‌اند و نوع دوم قابلیت اعتمادی است که در بین افرادی صورت می‌گیرد که نسبت به هم به صورت تجربی شناخت کاملی ندارند و به اصطلاح نسبت به هم غریبه هستند ولی افراد تحت نظامهای تخصصی و کارشناسی مجبور هستند، به دیگران اعتماد کنند. منظور گیدنز از نظامهای نمادین، نمادهای کارشناسی چون پزشک، معلم، تعمیرکار، تزییقات و... است که ما به واسطه قواعد تخصصی باید به آنها اعتماد داشته باشیم (گیدنز، ۱۹۹۰: ۱۰۸).

گیدنز، اعتماد فعالانه را در جامعه مدرن پیشنهاد می‌کند و می‌نویسد اعتماد فعالانه یعنی اعتماد به افراد یا نهادها از جمله نهادهای سیاسی که باید فعالانه آن را تولید کرد. در چنین جامعه‌ای اعتماد به سرعت صعود یا نزول می‌کند. تعاملات و روابط انسانی منتهی شکل‌گیری اعتماد هستند. گیدنز با پیش کشیدن نظامهای تخصصی معتقد است، نظامهای تخصصی منحصر به حوزه‌های کارشناسی و فنی نیست بلکه حوزه روابط اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد و سازمانهای گوناگون در عصر جدید با در اختیار گرفتن فعالیتهای پیچیده و حساس باید شرایط و زمینه اعتماددورزی را برای شهروندان به وجود آورد.

بنابراین اگر زنان در جامعه نسبت به نهادها و سازمانها و در تعاملاتشان با دوستان، همشهریان، و هم‌محله‌ای‌ها اعتماد نداشته باشند، زندگی اجتماعی آنان فلج می‌شود و این امر منجر به مراقبت و محافظت غیر ضروری آنان از خودشان گشته و آنها را از فعالیتهای اجتماعی باز داشته و سطح بی‌اعتمادی به دیگران را در آنان افزایش می‌دهد. عملکرد پلیس و نقش اعتماد شهروندان به پلیس نیز در این راستا معنا می‌یابد.

نظریه مبادله جورج هومنز ادعا می‌کند که افراد، هنگام تصمیم‌گیری درباره بروز یک رفتار، معمولاً به مقایسه شرایط کنونی با شرایط گذشته می‌پردازد و در چنین شرایطی،

دقت نظر و حساسیت افراد نسبت به شرایط بسیار مهم است (ریترز، ۲۰۱۱: ۴۲۳). در همین راستا، فرض شده است که تجربه قربانی شدن فرد می‌تواند در نحوه رفتار فرد تأثیر داشته باشد و باعث شود تا او از موقعیتهای خطرناک دوری کند.

جین جیکوبز می‌گوید فضاهای شهری به گونه‌های متفاوت، سهم متفاوتی در بروز بزهکاری و ترس از خشونت دارند (به نقل از محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۷). وجود مکانهای خرابه و خلوت که از نور و دید کافی برخوردار نیستند و همچنین فضاهای اطراف شهر و قسمتهایی از سواحل که حضور مردم در این مکانها کمتر است، زمینه را برای ارتکاب جرائم هموارتر می‌نماید. در نتیجه حضور در این مکانها باعث نگرانی و احساس خطر برای بانوان شده و احساس امنیت را به شدت کاهش می‌دهد. با توجه به مطالب ذکر شده در این مطالعه، متغیرهای آگاهی از اخبار و حوادث، اعتماد عام، اعتماد نهادینه، نگرش نسبت به عملکرد پلیس، نوع پوشش، فضای کالبدی شهر، و تجربه قربانی شدن به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته می‌شوند.

پیشینه تحقیق

نبوی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی» یک نمونه ۶۰۰ نفره از ساکنان ۱۶ سال و بالاتر شهرستان اهواز را در سال ۱۳۸۷ مورد مطالعه قرار دادند. امنیت در سه بعد جانی، مالی و سیاسی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد متغیرهای گرایش به مشارکت در تأمین امنیت، تلقی از عملکرد پلیس و پایگاه اجتماعی - اقتصادی به صورت مستقیم و متغیر احساس محرومیت نسبی به طور معکوس بر احساس امنیت اجتماعی افراد تأثیرگذار بودند. متغیرهای تلقی از عملکرد قانون و جنسیت تنها بر بعد امنیت جانی اثر داشتند (ص ۹۲-۸۷).

در تحقیقی دیگر، نیازی و فرشادفر (۱۳۹۰) رابطه بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی را در بین زنان مناطق شمال (۱ و ۲) و مناطق جنوب (۱۹ و ۲۰)

شهر تهران در سال ۱۳۸۹ مورد سنجش قرار دادند. نمونه تحقیق آنها شامل ۲۶۵ نفر از هریک از مناطق می‌شد که به صورت خوشه‌ای و تصادفی ساده انتخاب شده بودند. نتایج تحلیل آماری با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ($r = 0/361$) مؤید رابطه معنادار بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی بود. روی هم رفته، میزان امنیت اجتماعی زنان در هر دو (میانگین شمال $61/2$ و میانگین جنوب $51/9$) منطقه پایین‌تر از میانگین نظری یعنی 72 بود. میزان اعتماد اجتماعی زنان مناطق شمال ($X = 3/16$) بیشتر از زنان مناطق جنوب ($X = 9/14$) و میانگین نظری ($X = 15$) بود (ص ۱۶۸).

تحقیقی دیگر با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت با تأکید بر نقش پلیس» که توسط باباخانی در سال ۱۳۸۹ انجام شد، به موضوع امنیت و نیز نقش پلیس به عنوان تأمین‌کننده امنیت افراد پرداخت. در این تحقیق از روش پیمایشی و نمونه‌ای با حجم ۳۱۹ نفر از ساکنان ۲۴ محله تهران استفاده شده است. از میان متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی، احساس آنومی، سابقه قربانی شدن، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، کارایی پلیس دو عامل احساس آنومی و سرمایه اجتماعی تأثیرگذارترین عوامل مؤثر بر احساس امنیت گزارش شده است.

تحقیقی دیگر با عنوان «اجتماعات محلی، راه چاره ارتقای امنیت اجتماعی در کلان‌شهرها (نمونه موردی: کلان‌شهرهای ایران) توسط اسماعیل زاده در سال ۱۳۸۷ انجام شده است. در این تحقیق نقش محله‌ها و اجتماعات محلی در افزایش امنیت اجتماعی بر اساس روش تحلیلی توسعه در کلان‌شهرهای تهران، مشهد، تبریز، اصفهان و شیراز مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داد با توجه به گسترش مسائل شهری مانند مهاجرت، افزایش ناهنجاریهای اجتماعی، ازدیاد فاصله طبقاتی، رشد و توسعه اجتماعات محلی نقش مهمی در مهار مشکلات مزبور و دموکراسی شهری دارد.

در تحقیقی با عنوان «جرم، احساس امنیت»، کریسوس و همکارانش در سال ۱۹۹۷ با استفاده از روش پیمایشی از بزرگسالان در شهر تالاهاسی در ایالت فلوریدا در

کشور آمریکا در اوج پخش یک برنامه وحشتناک درباره جرائم خشن، با بررسی تأثیر سن، جنس، نژاد، تجربه قربانی شدن، به این نتیجه رسیدند که این عوامل به طور معناداری با احساس امنیت رابطه دارند.

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که متغیرهای تأثیرگذار بر احساس امنیت متفاوت و متنوع هستند و هنوز نمی‌توان به راحتی آنها را به مکانهای مختلف تعمیم داد. عناصر فردی، محیطی و فرهنگی در این مسأله دخیل هستند و هنوز نیاز به تحقیقات بیشتری وجود دارد تا مشخص شود که کدام یک از این متغیرها تأثیرگذاری بیشتری دارند.

روش تحقیق

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل تمام زنان ۱۵-۶۵ ساله شهر بندرعباس می‌شود که تعداد آنها طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ برابر با ۱۲۷۰۸۳ نفر بود. روش نمونه‌گیری - به دلیل گستردگی و پراکندگی جامعه آماری - سهمیه‌ای بر اساس جمعیت مناطق و در درون مناطق تصادفی اتفاقی بود. روایی پرسشنامه از نوع صوری و آلفای کرونباخ پایایی متغیرها - بر اساس مطالعه مقدماتی روی ۳۰ نفر به این قرار می‌باشد: احساس امنیت (۷۸/۰)؛ آگاهی از جرائم و اخبار (۸۰/۰)؛ اعتماد عام (۸۳/۰)؛ اعتماد نهادینه (۷۴/۰)؛ نگرش به عملکرد پلیس (۷۲/۰)؛ پوشش (۶۹/۰) و تجربه قربانی شدن (۸۳/۰).

یافته‌های تحقیق

نتایج توصیفی

- یافته‌ها نشان می‌دهند رده سنی ۱۵ تا ۴۵ سال با ۷۴/۲ درصد بیشترین فراوانی پاسخگویان را تشکیل می‌دهند. ۶۱/۴ درصد از پاسخگویان از نظر تحصیلات در حد دیپلم و پایین‌تر و کمتر از یک درصد دارای مدرک دکتری بودند. با توجه به ویژگیهای فرهنگی - اجتماعی که در طول سالیان دراز بر جامعه ما حاکم

بوده است همیشه بعضی کارها ماهیتی مردانه داشته‌اند و زنان در این عرصه‌ها حضور فعالی نداشته‌اند.

- اطلاعات مربوط به وضعیت اشتغال پدر پاسخگویان نشان می‌دهد، بیشترین درصد فراوانی پاسخگویان ۳۱/۵ درصد، دارای شغل آزاد و کشاورز هستند.

- اطلاعات مربوط به وضعیت درآمد پدر نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی مربوط به درآمد بین پانصد هزار تومان تا یک میلیون تومان در ماه است که ۲۰/۷ درصد از افراد دارای این درآمد هستند.

- ۹۶/۱ درصد از والدین پاسخگویان با هم زندگی می‌کنند که درصد قابل توجهی از پاسخگویان را شامل می‌شود.

- ۳۰/۷ درصد از پاسخگویان وضعیت مذهبی خود را در متوسط ۹/۵۴ و رو به بالا ارزیابی می‌کنند. در کل می‌توان گفت وضعیت مذهبی افراد در سطح متوسط و رو به بالاست.

نتایج تفسیری جدول شماره (۱) میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته یعنی احساس امنیت را نشان می‌دهد.

جدول (۱) آزمون متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی پیرسون r	سطح معناداری sig
۱- آگاهی از اخبار حوادث	r=۰/۱۰۸	sig=۰/۰۳۴
۲- اعتماد عام	r=۰/۱۵۲	sig=۰/۰۵۲
۳- اعتماد نهاده	r=۰/۱۴۱	sig=۰/۰۲۵
۴- نگرش نسبت به عملکرد پلیس	r=۰/۱۸۶	sig=۰/۰۳۴
۵- نوع پوشش	r=۰/۲۸۲	sig=۰/۰۰۴
۶- فضای کالبدی شهر	r=۰/۱۱۲	sig=۰/۰۱۱
۷- تجربه قربانی شدن	r=۰-/۱۴۲	sig=۰/۳۱۱

با توجه به اعداد به دست آمده در فرضیه آگاهی از اخبار حوادث می‌توان نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معناداری بین میزان آگاهی از جرایم و اخبار و

احساس امنیت وجود دارد؛ یعنی هرچه آگاهی از جرایم و اخبار بالاتر باشد، احساس امنیت بالاتر است. در واقع اینگونه به نظر می‌رسد که آگاهی از اخبار و اطلاعات باعث می‌شود فرد در زندگی از تجارب دیگران به نحوی مطلوب استفاده کند؛ یعنی اگر فرد از وضعیت یک قربانی در جرایم مطلع شود، میزان احتیاط او در مورد مسایل بیشتر می‌شود و همین مسأله باعث افزایش میزان احساس امنیت او می‌شود.

در بررسی رابطه بین متغیر اعتماد عام با متغیر وابسته رابطه معناداری بین اعتماد عام و میزان احساس امنیت وجود دارد. اعتماد اجتماعی افراد خود متأثر از دلایل متعددی است و سطح این مسأله به دلایل متعددی در جامعه بالا و پایین می‌شود. این فرض به طور روشنی گویای این مطلب است که افزایش اعتماد اجتماعی و توسعه آن در جامعه به افزایش سطح احساس امنیت منجر می‌شود. همچنین نتایج جدول بالا گویای رابطه مستقیم و معناداری بین میزان اعتماد نهادی و احساس امنیت است؛ اعتماد نهادی اعتمادی تأمین شده از ساختارهای اجتماع است که توسط دولت و نهادهای وابسته به آن تأمین شده است و با توجه به نتایج، تأثیر مستقیمی بر متغیر وابسته تحقیق دارد. البته می‌توان اینگونه عنوان کرد که اهتمام هرچه بیشتر دولت در گسترش اعتماد نهادی به ارتقای سطح احساس امنیت اجتماعی در جامعه منجر خواهد شد، به عبارت دیگر هرچه اعتماد نهادی بالاتر باشد احساس امنیت بالاتر است. در ادامه با توجه به اعداد به دست آمده در جدول بالا می‌توان نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معناداری بین نگرش به عملکرد پلیس و احساس امنیت وجود دارد؛ یعنی هرچه نگرش به عملکرد پلیس بالاتر باشد، احساس امنیت بالاتر است. با توجه به اعداد به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معناداری بین نوع پوشش و احساس امنیت وجود دارد. عدم امنیت به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد از موقعیت خود احساس راحتی نکند و مدام خود را در خطر قربانی شدن ببیند. حال عواملی که باعث

می‌شود این شرایط به وجود بیاید یک دسته عوامل بیرونی و مربوط به ساختارها هستند و دسته دیگر به خود فرد بر می‌گردد، مثل پوشش افراد. در هر جامعه نوع پوشش می‌تواند برای ایجاد شرایط قربانی شدن موقعیت ایجاد کند، به عبارت دیگر، هرچه وضعیت پوشش بهتر باشد، احساس امنیت بالاتر است. همچنین با توجه به نتایج جدول می‌توان نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معناداری بین فضای کالبدی شهر و احساس امنیت وجود دارد؛ یعنی هرچه فضای کالبدی شهر بهتر باشد، احساس امنیت بالاتر است. در پایان نتایج جدول گویای وجود عدم رابطه مستقیم و معناداری بین میزان تجربه قربانی شدن و احساس امنیت است؛ این مسأله گویای این واقعیت است که موقعیت قربانی شدن نمی‌تواند بر احساس امنیت آنان تأثیر بگذارد این نکته که به لحاظ نظری قابل تأمل است چراکه هیچ چارچوب تئوریک حمایت‌کننده این فرض آماری نیست. به عبارت دیگر، میزان تجربه قربانی شدن افراد ربطی با احساس امنیت آنها ندارد.

تحلیل رگرسیون

این تحلیل زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که بیش از یک متغیر مستقل داشته باشیم. این تحلیل دو کارکرد دارد؛ ۱- کارکرد پیش‌بینی ۲- کارکرد تبیین. کارکرد پیش‌بینی از طریق معادله رگرسیون و کارکرد تبیین از طریق ضریب تعیین انجام می‌شود. بر اساس نتایج جدول شماره (۲) و زندهای ضریب تعیین هرکدام از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته میزان احساس امنیت مشخص شده است. لازم به توضیح است «در این روش ابتدا همه متغیرهای مستقل به روش جبری اینتر وارد معادله می‌شوند و سپس به ترتیب، متغیری که کمترین تأثیر و پایین‌ترین سطح معناداری را دارد از معادله خارج می‌شود، پس از خروج هر متغیر، پارامترهای معادله رگرسیون با متغیرهای باقیمانده محاسبه و تنظیم می‌شود.

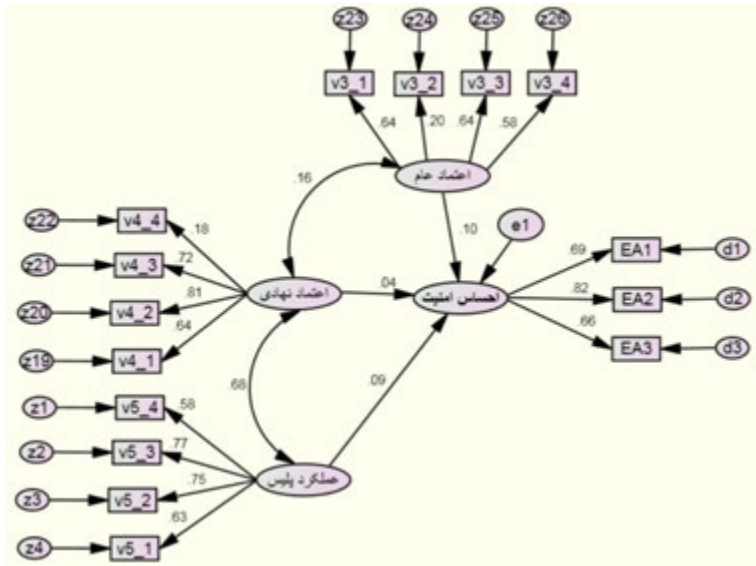
جدول شماره (۲): نتایج همبستگی بین متغیرها

R Square	خطای استاندارد برآورد شده	ضریب Beta	ضریب تعیین	متغیر پیش‌بینی کننده
۰/۴۲۱	۰/۵۴۱۲۲	۰/۲۰۱	۰/۲۲	آگاهی از جرایم و اخبار
	۰/۵۰۹۸۴	۰/۲۹۹	۰/۳۷۳	اعتماد عام
	۰/۴۸۴۸۹	۰/۳۳۲	۰/۴۱۸	اعتماد نهادی
	۰/۴۸۰۱۷	۰/۳۶۸	۰/۴۳۹	نگرش به عملکرد پلیس
	۰/۴۷۶۰۰	۰/۳۸۹	۰/۵۱۴	پوشش
	۰/۴۷۲۷۴	۰/۴۰۹	۰/۵۵۵	فضای کالبدی شهر
	۰/۴۷۰۵۵	۰/۴۲۱	۰/۶۶۰	تجربه قربانی شدن

همانگونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود تحلیل رگرسیون چندگانه از تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته صورت گرفته است و در گام اول که آگاهی از جرایم و اخبار قوی‌ترین متغیر پیش‌بینی کننده احساس امنیت است، همبستگی متوسطی مشاهده شده است و این متغیر می‌تواند به تنهایی ۲۲ درصد واریانس احساس امنیت را بیان کند. با ورود متغیرهای بعدی، ضرایب افزایش یافته از گام دوم تا گام هفتم به ترتیب ۳۷، ۴۱، ۴۳، ۵۱، ۵۵، و ۶۶ درصد مشاهده می‌شود که در حد متوسط و زیاد بوده‌اند. این روند افزایش در بیشترین حد خود در گام هفتم مشاهده می‌شود که ضریب به ۰/۶۶۰ افزایش یافته و قدرت تبیین نیز به ۴۲/۱ درصد می‌رسد. بنابراین هفت متغیر آگاهی از جرایم و اخبار، اعتماد عام، اعتماد نهادی، نگرش به عملکرد پلیس، پوشش، فضای کالبدی شهر و تجربه قربانی شدن بر روی هم قادرند ۴۲/۱ درصد واریانس میزان احساس امنیت را تبیین نمایند. همانطور که گفته شد کارکرد تبیین رگرسیون از طریق R^2 انجام می‌شود. با توجه به این مقدار بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته رابطه خوب و قابل قبولی وجود دارد. همچنین با توجه به اینکه ضریب تعدیل شده (R^2) ۰/۴۲ است، پس می‌توان گفت متغیرهای مستقل ۴۲ درصد متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. به بیان

دیگر ۴۲ درصد میزان احساس امنیت (متغیر وابسته) به متغیرهای مستقل موجود در تحقیق مربوط است و بقیه مربوط به عوامل دیگر است.

مدل معادله ساختاری



مدل معادله ساختاری برای تبیین احساس امنیت

جهت پیکانها از سمت متغیر پنهان به سمت متغیر مشاهده شده که معرف آن متغیر پنهان است، بیانگر این نکته روش شناختی است که نمره هر پاسخگو در متغیر مشاهده شده تحت تأثیر وضعیتی است که آن پاسخگو در متغیر پنهان زیربنایی مرتبط با متغیر مشاهده شده دارد. برای مثال، در این مدل متغیر پنهان اعتماد اجتماعی (عام) و شاخص مشاهده شده آن ارتباطات اجتماعی (v3-1) است. حال پاسخگویی به متغیر مشاهده شده اعتماد به هم‌محله‌ای‌ها تعیین خواهد کرد که اعتماد عام فرد در چه موقعیتی قرار دارد. به عبارت دیگر وزنی که v3-2, v3-3 و v3-4 در مدل پژوهش دارند، تعیین‌کننده میزان اعتماد اجتماعی پاسخگو هستند. در متغیر وابسته؛ یعنی احساس امنیت اثر احساس امنیت بر EA2 با ۰/۸۲، این معنی را می‌دهد که متغیر پنهان احساس امنیت، بیشترین توان

تحلیل EA2 (یا گویه‌هایی که مربوط به امنیت از دیگران می‌شوند) را با بالاترین ضریب دارد و در متغیر پنهان اعتماد نهادی، اعتماد نهادی با ضریب ۰/۸۱، بیشترین توان تحلیل ۷۴-۲ (اعتماد به نیروی انتظامی) را داراست. همچنین در این مدل مقدار ضرایب همبستگی بین متغیرهای پنهان پژوهش به صورت استاندارد محاسبه شده است که ضریب همبستگی بین احساس امنیت و اعتماد اجتماعی به میزان ۰/۱۰ مشاهده شد که این ضریب بیشتر از همبستگی اعتماد نهادی و نگرش به عملکرد پلیس است. البته نزدیکی بسیار زیاد ضرایب به همدیگر نشان از تأثیر نزدیک متغیرهای مستقل پژوهش بر متغیر وابسته دارد و در کل مثبت بودن تمامی ضرایب همبستگی در مدل نتیجه‌ای منطقی و قابل قبول است.

برازش مدل

برای بررسی برازش مدل از شاخص‌های برازش استفاده می‌شود. شاخص‌های برازش مقادیری آماری را به دست می‌آورند که محقق را در تصمیم‌گیری نسبت به تشخیص یا انتخاب مدل مناسب‌تر، یاری می‌کنند. شاخص‌های برازش زیادی وجود دارند، اما پرکاربردترین آنها که در عین حال، پایه و اساس دیگر شاخص‌ها محسوب می‌شود χ^2 است. هرچه مقدار مجذور کای به صفر نزدیکتر باشد، نشان‌دهنده برازش بهتر مدل است. از آنجا که مقدار مجذور کای تحت تأثیر حجم نمونه و تعداد روابط مدل قرار می‌گیرد و مقدار آن بزرگ می‌شود، بنابراین با اتکا بر مقدار مجذور کای، نمی‌توان به نتایج مطلوب دست یافت؛ در نتیجه در کنار این شاخص، از شاخص‌های دیگری نیز برای برازش مدلها استفاده می‌شود. شاخص دیگری که برای از میان برداشتن این محدودیت مجذور کای معرفی شده، شاخص χ^2/df است که اگر کوچکتر از ۳ باشد، نشانگر برازندگی الگو است. براساس قاعده کلی، شاخص‌های نیکویی برازش (GFI)، نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)، برازندگی تطبیقی (CFI)، نرم شده برازندگی (NFI) و نرم نشده

برازندگی (NNFI) برای مدل‌های خوب بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۵ تفسیر می‌شوند و مقادیر بالای ۰/۸ نیز نشان دهنده‌ی برازش نسبتاً خوب مدل هستند. همچنین شاخص ریشه‌ی خطای میانگین مجزورات تقریب (RMSEA) که طبق پیشنهاد لوهین^۱ (۲۰۰۴) در صورتی که کوچکتر از ۰/۰۸ باشد، نشانگر برازندگی خوب، ۰/۰۸ تا ۰/۱، نشانگر برازندگی قابل قبول و مقادیر نزدیکتر به صفر نشانگر بیشترین برازندگی هستند. برای تحقیق حاضر ۰/۱۲۶ است. در جدول شماره ۳ نتایج تحلیل عامل مرتبه‌ی اول برای ساختار چهار عاملی نشان داده شده است.

جدول شماره (۳) شاخص‌های برازندگی مدل

شاخص‌ها	مقدار	شاخص‌ها	مقدار	شاخص‌ها	مقدار
CMIN	۷۷۵/۴۵	GFI	۰/۶۷	NNFI	۰/۸۲
ρ, df	۰/۰۰ 0/۲۴۶	AGFI	۰/۸۱	NFI	۰/۸۷
CMIN/DF	۱۴/۵۳	CFI	۰/۷۰	RMSEA	۰/۱۲۶

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش همبستگی معناداری بین دو متغیر میزان اعتماد اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی در بین مناطق شهر بندرعباس وجود دارد. نتایج این پژوهش با نظریه‌ها و دیدگاه‌های صاحب‌نظران و نتایج تحقیقات پیشین قرابت و همخوانی دارد. از دیدگاه گیدنز، احساس اعتمادپذیری افراد برای احساس امنیت وجودی اهمیت بنیادی دارد. آمار استنباطی تحلیل فرضیه‌ی میزان اعتماد نهادی و میزان احساس امنیت افراد با ضریب همبستگی پیرسون ($I=0/141$) نشان از رابطه‌ی مستقیم و معناداری بین میزان اعتماد نهادی و احساس امنیت دارد؛ این بدین معنی است که هرچه اعتماد نهادی بالاتر باشد، احساس امنیت افراد بالاتر است.

- همچنین در تحلیل فرضیات رابطه بین احساس امنیت با آگاهی از اخبار حوادث، نگرش به عملکرد پلیس، نوع پوشش، فضای کالبدی شهر و تجربه قربانی شدن هر کدام با ضرایب همبستگی رگرسیون به ترتیب ($r=0/108$)،

($r=0/186$)، ($r=0/282$)، ($r=0/112$) و ($r=0-/142$) رابطه وجود دارد. لازم به ذکر است که همبستگی بین احساس امنیت با نوع پوشش، نگرش به عملکرد پلیس، نوع پوشش، فضای کالبدی شهر همبستگی مثبت و معناداری است؛ بدین معنی که هرچه نگرش به عملکرد پلیس، نوع پوشش، فضای کالبدی شهر مثبت باشند، میزان احساس امنیت افراد بالاتر است. اما نتایج جداول، همبستگی مثبت و معناداری را بین دو متغیر احساس امنیت و تجربه قربانی شدن افراد نشان نمی‌دهند و سطح معناداری این جدول برابر با ($\text{Sig}=0/311$) است.

- مسأله بعدی بررسی رابطه بین وضعیت تأهل، میزان تحصیلات افراد و میزان احساس امنیت افراد است که خروجی تحلیل آماری رابطه معناداری را بین افراد متأهل و مجرد متصور نیست ($\text{Sig}=0/25$) و میزان تحصیلات با سطح معناداری ($\text{Sig}=0/612$) نشان از عدم رابطه بین این دو متغیر دارد. بنابراین می‌توان گفت که احساس امنیت در افراد ربطی به وضعیت تأهل و تحصیلات آنها ندارد.

در مدل تحلیلی پژوهش مقدار ضرایب همبستگی بین متغیرهای پنهان پژوهش به صورت استاندارد محاسبه شده است که ضریب همبستگی بین احساس امنیت و اعتماد اجتماعی به میزان $0/10$ مشاهده شد که این ضریب بیشتر از همبستگی اعتماد نهادی و نگرش به عملکرد پلیس است. البته نزدیکی بسیار زیاد ضرایب به همدیگر نشان از تأثیر نزدیک متغیرهای مستقل پژوهش بر متغیر وابسته دارد و در کل مثبت بودن تمامی ضرایب همبستگی در مدل پژوهشی نتیجه‌ای منطقی و قابل قبول است.

نتایج تحلیل مدل عاملی تأییدی پژوهش، گویای این نکته است که مقیاس به کار برده شده توسط محقق برای سنجش متغیرهای پنهان در حد متوسط و رو به بالا

بوده است، بنابراین به لحاظ روشی این تحقیق توانسته است شاخص‌های متغیرها را به خوبی شناسایی و آنها را به درستی مورد سنجش قرار دهد.

منابع

- ۱- اسماعیل زاده، حسن. (۱۳۸۷). «اجتماعات محلی راه چاره ارتقای امنیت اجتماعی در کلان‌شهرها»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۴، تهران: معاونت اجتماعی.
- ۲- احمدی، حبیب؛ سروش، مریم؛ و افراسیابی، حسین. (۱۳۸۸). «ترس از جرم در مناطق جرم‌خیز شهر شیراز»، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره پیاپی ۳۴، شماره ۲، تابستان، صص ۸۰-۶۵.
- ۳- باباخانی، فرهاد. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت با تأکید بر نقش پلیس»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۱، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- ۴- پورافکاری نصراله. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر میزان احساس امنیت در زنان شاغل در بخش خصوصی (مطالعه موردی: شهر اصفهان)»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال پنجم، شماره پاییز، صص: ۷۴-۴۵.
- ۵- جلائی پور، حمیدرضا. (۱۳۸۹). «ایران: جامعه کژ مدرن»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره یازدهم، شماره ۱، بهار، صص: ۴۸-۲۲.
- ۶- حسین زاده، علی حسین و ساده‌میری، زهرا. (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی - سیاسی بر احساس امنیت (مطالعه موردی: شهروندان شهر ایلام)»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال پنجم، شماره ۱۵، زمستان، صص ۵۴-۲۷.
- ۷- نبوی، عبدالحسین؛ حسین زاده، علی حسین و حسینی، سیده هاجر. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی»، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره پیاپی، شماره ۴، زمستان، صص:

۸- نیازی، محسن؛ فرشادفر، یاسمن. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال (۱ و ۲) و مناطق جنوب (۱۹ و ۲۰) شهر تهران»، مجله مطالعات شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، سال اول، شماره اول، زمستان، صص: ۱۷۸-۱۴۷.

۹- محسنی تبریزی، علیرضا، سهراب قهرمانی، و سجاد یاهک. (۱۳۹۰). «فضاهای بی دفاع شهری و خشونت (مطالعه موردی فضاهای بی دفاع شهر تهران»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی ۴۴، زمستان، صص: ۷۰-۵۱.

۱۰- مقدس، علی اصغر و قدرتی، حسین. (۱۳۸۳). «نظریه ساختار شدن آنتونی گیدنز و مبانی روش شناختی آن»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال اول، شماره ۴، زمستان، صص ۳۱-۱.

- 11- Amerio, p. (Ed) (1999) The Dimensions of Security (PP15,22) Milan unicolpi.
- 12- Buzan, Barry, Weaver, gle, wilde, jaap de. (1998). "Security A New Framework for Analysis" <http://www.drake.edu/artsci/polsci/porsonahwebpage/seanly.html>.
- 13- Coleman , Jamos.(1988). "Social Capital in the Creation of Human Capital" American journal of Sociology , vo94, Supplement , pp. S95-S120.
- 14- Chiriicos, Ted. Sarah, Esch holz & Marc, Gertz. (1997), Crim, News and Fear of Crim: Toward An Identification of Audience Effects. From <http://www.jstor>.
- 15- Gerbner Georg, etal.(1994), Cultivation Theory: Cultural Indicators Project. On line. <http://nimbus.temple.edu/ggerbner/cihtml>.
- 16- Giddens, Anthony.(1990).The Consequences of Modernity. Stanford , Califo:Stanford university Press.
- 17- Turner, Jonathan H. (2003). The Structure of Sociological Theory. Thousand oaks, Calif: Wadsworth ublication.
- 18- Ritzar George. (2011). Sociological Theory. Eighth Edition. New York: Mac Graw Hill.